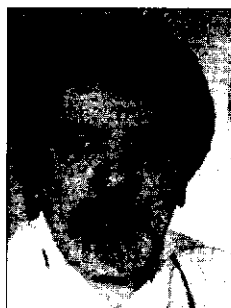


به یاد زنده یاد دکتر محمد نقی براهنی



۲۹۶

چند روز پیش شنیدم که یکی دیگر از آن کمیاب انسان‌های اندیشمند را از دست داده‌ایم، دکتر محمدنقی براهنی را. روانشناس، واژه‌شناس و مترجم ارزشمندی که شاید با آن انسجام شخصیت و عشق به دانش جایگزین‌ناپذیر باشد. کم‌اینکه در همه آن سال‌ها که از محوریت خود در روانشناسی یادگیری و روان‌سنجی به حاشیه رانده شده بود، ناگزیر باید دانش و مهارت محوری جایگزین‌ناپذیر خود را در حاشیه به انجام می‌رساند و چه افسوس برای این جامعه و فرهنگ و برای همه ما که باید این نابسامانی‌ها را ببینیم و فقط افسوس بخوریم که با همه نیازی که برای پیشرفت علمی احساس می‌شود، دانشمندان واقعی ما فقط بتوانند در حاشیه و بی‌آنکه در جایگاه شایسته خود باشند، به کار علم پردازند و بی‌آموزانند. با سختی زندگی کنند و احترام و اعتبار بایسته از آنان دریغ شود. انگار که در عصر غربت علم زندگی می‌کنیم!

نخستین بار دکتر محمدنقی براهنی را در خانه زنده یاد انجری شیرازی دیدم. در سال ۱۳۶۴ وقتی که تازه از غربتی دیگر به وطن بازگشته بودم و با او آشنا شدم. از کارم پرسید. گفتم و از کارش پرسیدم گفت که دانشیار بازنشسته روانشناسی دانشگاه تهران است و بعد از آن بود که با خدمات علمی اش آشنا شدم و فهمیدم که گرچه دانشیار بازنشسته بود، ولی کمتر با استادی در حوزه روانشناسی آکادمیک برمی‌خوریم که به اندازه دکتر براهنی خدمات بنیادی برای پیشرفت این حوزه از علم در این کشور انجام داده باشد. بنابراین به حقیقت یکی از بارزترین و

فاضل‌ترین استادان روانشناسی این مرز و بوم بود و نه تنها در کار آموزش که تا همین چند ماه قبل فعال بود بلکه در کار ترجمه، تالیف و واژه‌شناسی آثار باارزشی به جای گذارد.

در صدر تألیفات و ترجمه‌های او، کتاب «روان‌آزمایی» نوشته ا. آناستازی است که سالها و پیش از دوران اینترنت مهمترین مرجع آزمون‌های روان‌سنجی برای روانشناسان بالینی و روانپزشکان این کشور بوده است و خودش با تبحر و دانشی که در این زمینه داشت، بانی روان‌سنجی علمی بود. و این مهارت را به بسیاری از روانشناسان بالینی آموزش می‌داد. از این رو باید او به عنوان پدر روان‌سنجی یا به زبان خودش «روان‌آزمایی» ایران یاد کنیم.

در همان روز آشنایی دکتر براهنی گفت که با همکاری دکتر محمدرضا باطنی، دکتر سیف و دیگران مشغول تهیه واژه‌نامه روانشناسی هستند. حوزه‌ای که مورد علاقه بسیار من نیز بوده است و سالهاست مشغول تهیه واژگان جامعی در حوزه علوم انسانی هستم. بنابراین هم دشواری‌های آن را می‌شناسم و هم ارزش و ضرورت آن را برای زبان فارسی و این فرهنگ می‌دانم. اگر قرار باشد که روزی ما نیز زبان علمی داشته باشیم و به حقیقت به کاروان علم نوین پیوندیم. از این رو می‌دانم که دکتر براهنی چه قدم ارزشمندی را برای علم و زبان علمی ما برداشت. او یکی از پیشگامان این راه بود و برای ایجاد واژگان فارسی روانشناسی گامهای مؤثر برداشت، بی‌آنکه قدر و ارزش واقعی او شناخته شده باشد. بعدها در هر کجا که او را می‌دیدم، یکی از آرزوهای خود را بازگو می‌کردم که باید تلاش کنیم همه آنها که در این زمینه کار می‌کنند، یعنی در تلاش برای واژه‌یابی و واژه‌سازی هستند دور هم جمع شوند، تا کاری یک دست ارائه شود و ترجمه‌ها از این آشفته‌گی نجات یابند [البته می‌دانستم که قرار است فرهنگستان چنین مجمعی باشد - ولی این کار بیشتر در بخش غیردولتی و توسط واژه‌شناس‌هایی صورت گرفته که عاشق این کار بوده‌اند و دکتر براهنی یکی این از نوادر بود]

در سال ۱۳۵۸ با ترجمه روانشناسی یادگیری جیمز دیز و استوارت هالسی گام دیگری برای معرفی روانشناسی رفتاری و تجربی برداشت و در مقدمه آن کتاب به سوء تفاهمی اشاره کرد که هنوز هم ادامه دارد. وی نوشت: «در کشور ما از بدو تأسیس دارالمعلمین و دانشگاه تهران روانشناسی به صورت‌های مختلف در مراکز تربیت معلم تدریس شده است. ولی تأسیس رشته مستقل روانشناسی در دانشگاه‌های کشور فقط طی پانزده سال اخیر صورت گرفته است. اینکه رشته روانشناسی در برخی دانشگاهها بخشی از دانشکده ادبیات را تشکیل می‌دهد گویای سوء تفاهمی اساسی در مورد ماهیت این رشته و غفلت از پیوند پیوان آن با علوم طبیعی است فقر آزمایشگاه‌های روانشناسی و تأکید بر جنبه‌های نظری و کتابی این علم و کمبود روانشناسان آزمایشی و متخصصان آزمایشگاهی از آثار بارز این سوء تفاهم است.



● دکتر محمدتقی براهنی

با اینکه در برخی دانشگاهها، دانشکده‌های مستقل روانشناسی تاسیس نشده ولی هنوز هم بخشی از امور تربیتی است و در مجموع «سوء تفاهم» همچنان ادامه دارد. نه تنها در این مورد که روانشناسی را در حوزه علوم طبیعی تعریف کنیم یا در جای دیگر، بلکه در این مورد نیز که جای مردان علمی نظیر دکتر براهنی در کجا بوده است و سوء تفاهم در مورد علم و صاحبان و دوستان علم!

دکتر براهنی سالها در حاشیه انستیتو روانپزشکی دانشگاه تهران مشغول به کاری محوری برای آموزش و پیشبرد پایان‌نامه‌های روانپزشکان و روانشناسان بالینی و آموزش و پژوهش بود و از مهارت‌های او در «نشر دانشگاهی» نیز استفاده می‌شد. ولی ای کاش جامعه فرهنگی ما توانسته بود از ذهن خلاقى مانند ذهن دکتر براهنی در جایگاه اصلی خود و بیش از این استفاده کند. نه اینکه زندگیش یادآور سوء تفاهمی در غربت علم باشد.

چند ماه قبل تلفن زنگ زد. صدای دکتر براهنی بود گفت به تازگی از بیمارستان مرخص شده، گویا عمل قلبی انجام داده بود و به دلیل به یاد من افتاده بود و من شرمنده از این که نمی‌دانستم در بیمارستان بوده است. چند سال قبل وقتی برای نخستین بار در بیمارستان دکتر شریعتی بستری بود، به دیدنش رفته بودم و در تمامی این سالها با قلب ناکارآمدی، به کار علمی خود ادامه می‌داد و بسیاری از روانشناسان بالینی کشور، در همان حاشیه از محضر او و آموزش‌های او بهره‌ور شدند.

چون بی‌دریغ بود و وارسته و در آن مکالمه تلفنی گفت که دیگر نمی‌تواند کار کند چون سرطان هم به آن اضافه شده بود و من با افسوس توصیه کردم که باید استراحت کند. در حالیکه می‌دانستم او عاشق علم و عاشق کار معلمی است. چطور می‌تواند کار نکند؟ از این گذشته با محدودیت‌های رفاهی اهل علم در این زمانه چه خواهد کرد؟ امروز صبح به همان شماره تلفن که به من داده بود زنگ زدم و نوار شرکت مخابرات، صدای ناخوشایندی گفت «شماره مورد نظر شما تا اطلاع ثانوی قطع می‌باشد. لطفاً مجدداً شماره‌گیری نفرمایید.» و من با تمام وجودم حس کردم.

کتابخانه تخصصی وزارت امور خارجه منتشر کرده است:

- ۱- خشونت دست‌آموز / ایومیشو / بابک سیدحسینی
 - ۲- خشونت و قدرت / فرانسوا استیرن / بهنام جعفری
 - ۳- دولت و جامعه / داوید گوتیه و... / موسی اکرمی
 - ۴- لیبرالیسم / جان گری / محمد ساوجی
 - ۵- کثرت‌گرایی / گرگور مک‌لنن / نسرین طباطبایی
 - ۶- مفهوم ایدئولوژی / خورخه لارین / فریبرز مجیدی
 - ۷- کارگزاریهای تخصصی سازمان ملل متحد / هوشنگ عامری / فریدون مجلسی
 - ۸- ایران در عهد شاه عباس دوم / پاول لوفت / کیکاووس جهاننداری
 - ۹- آینده آزادی / ژان ماری گنو / عبدالحسین نیک‌گهر
- تهران - مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه - تهران - خیابان شهید باهنر -
خیابان شهید آقایی